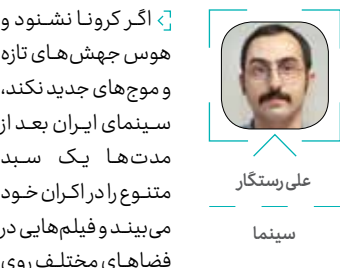


گردگیری از گیشه



اگر کرونا نشنود و هوس جهش‌های تازه و موج‌های جدید نکند، سینمای ایران بعد از مدت‌ها یک سید متنوع را در اکران خود می‌بیند و فیلم‌هایی در فضاهای مختلف روی پرده هستند و هرکدام به سهم خود باعث خوش‌آب‌ورنگی سینما در این روزها شده‌اند. کافی است نگاهی به کلیت و نام فیلم‌ها بیندازید: «قهرمان» درام اجتماعی و برگرفته از ماجرای واقعی، «آتابای» یک درام دیدن‌که به ادبیات پهلوی می‌زند، «بندر بند» درامی اجتماعی از تبار موسیقی، «شهر گریه‌ها» فیلمی برای بچه‌ها، رمانتیسیم «عماد و طوبا» که همان عنوان اولیه‌اش نشانی حال‌وهوای فیلم را به ما می‌دهد، «منصور» با محوریت یک قهرمان‌ملی به نام شهید منصور ستاری، فیلم متفاوت و خلاقانه «پوست»، فیلم «تومان» که با تحسین برخی منتقدان همراه شده، درام «حکم‌تجدیدنظر»، کمدی‌های «گشت‌ارشد۳» «آپاچی» و «دینامیت، و البته «جنایت‌بی‌دقت» که از فردا اکران می‌شود خوانش متفاوت و خلاقانه شهرام مکرری از فاجعه سینما رکس آبادان است.

یعنی فارغ از کیفیت آثار، فیلم‌های این یکی دو نوبت اخیر اکران، تنوع جالبی دارند و پاسخگوی همه سلیقه‌ها هستند. یعنی نکته‌ای که نیاز و از ضرورت‌های اساسی سینمای ایران در اکران است و می‌تواند رختی سینمای کرونا‌زه را بپکاند. خوشبختانه این گردگیری از گیشه عملاً اتفاق افتاده و باوجود نفس‌کشیدن ماکان کرونا و حتی تهدید جهش تازه‌ای به نام آمیکرون، فیلم‌هایی چون گشت‌ارشد۳، قهرمان و دینامیت با استقبال خیلی خوب تماشاگران مواجه شده‌اند.



نمایی از فیلم «آتابای»

دینامیت که سازندگان و پخش‌کننده‌اش جسارت داشتند زودتر از خیلی فیلم‌های دیگر برای اکران پیشقدم شوند و مزد این بی‌پروایی و فداکاری را هم گرفتند تا اینجا بیش از ۲۸میلیارد تومان فروخته است. اگر با وضعیت معمولی و بدون کرونا روبه‌رو بودیم، قطعاً دینامیت بسیار بیشتر از این در گیشه می‌فروخت.

گشت‌ارشد۳ هم با همه انتقاداتی که به کیفیت آن وارد است، دست‌کم در جذب تماشاگران به سینما موفق عمل کرده و تا اینجا بیش از ۱۷میلیارد تومان فروش کرده. این رقم فروش در حدود سه هفته به‌دست‌آمده و فیلم سعید سهیلی می‌تواند با همین دست‌فرمان حالا‌حالا در گیشه بتازد.

به جز تنوع سید اکران، کیفیت برخی فیلم‌های این یکی دو نوبت اکران استاندارد‌های لازم را هم دارد و مشاهده فیلم‌هایی چون قهرمان، آتابای و جنایت بی‌دقت به‌طور تقریباً همزمان، شاینت و وجاهت گیشه را هم تأیید می‌کند.

یعنی سه فیلمی که در شرایط عادی، شاید اکران همزمان آنها باعث همپوشانی این فیلم‌ها در اکران می‌شد و نمایش هرکدام در یک نوبت اکران جداگانه می‌توانست اعتبار و وجهه آن فصل را تأمین کند، حالا و در وضعیت کرونا‌یی، چراغ اکران را به چلچراغ تبدیل کرده‌اند.

آمار فروش دیگر فیلم‌های گیشه تا روز گذشته از این قرار بود: منصور حدود ۲میلیارد و ۳۰۰میلیون تومان، آتابای حدود یک‌میلیارد و ۸۰۰میلیون تومان، شهرگریه‌ها حدود یک‌میلیارد تومان، پوست حدود ۸۰۰میلیون تومان، آپاچی حدود ۳۰۰میلیون تومان، حکم‌تجدیدنظر حدود ۲۴۰میلیون تومان، فیلم‌تومان حدود ۱۴۰میلیون تومان، رمانتیسیم عمادوطوبا حدود ۱۰۵میلیون تومان، بندر بند حدود ۲۶میلیون تومان.

«وبلاگ‌نویسی» منتشر شد

«وبلاگ‌نویسی» تالیف و گردآوری مصطفی محمودی و ندا الماسیان منتشر شد. این کتاب در ۱۲۲صفحه و قطع وزیری با بهای ۴۵هزار تومان در بخش کتاب دانشگاهی نشر عنوان به بازار نشر عرضه شده است. در تالیف این کتاب جدیدترین سرفصل‌های آموزشی درس و وبلاگ‌نویسی رشته‌های کاردانی و کارشناسی مدنظر قرارگرفته است.



چشم بستن بر توفان

با وجود همه‌گیری کرونا و تاثیر آن بر زندگی همه مردم جهان اما کمتر اثر نمایشی و هنری قابل توجهی درباره این بیماری ساخته شده است



ساناز قنبری

روزنامه نگار

بیباید با نگاهی امیدوارانه تصور کنیم که سال‌ها گذشته و دیگر هیچ نشانی از ویروس کرونا در جهان به چشم نمی‌خورد. کرونا با تمام سویه‌های جهش یافته مهلکش در برابر منشی الهی و اراده بشر زانو زده یا دست‌کم به‌شدت تضعیف شده و از آن، جز مشتی خاطرات غم‌انگیز چیزی باقی نمانده‌است. این دیدگاه امیدبخش چیزی است که در حال حاضر به‌شدت به آن نیازمندیم. خب! با این انگاره، حالا ما به‌عنوان بازماندگان کرونا مانده‌ایم و نسلی در آینده که درکش از ویروس مذکور، در حد اخبار مستند و نقل‌قول‌هایی پراکنده و شاید آغشته به غبار گذشت زمان است که چه‌بسا باورها و تلقیات نادرستی هم چاشنی‌شان شده! گزارش پیش‌روی جام‌جم با رویکردی آسیب‌شناسانه تلاش دارد تا در گفت‌وگو با تعدادی از هنرمندان، به زوایای کمبود آثار هنری جذاب، آگاهی‌بخش و دغدغه‌مند با موضوع کرونا بپردازد. در چنین شرایطی باید دید واقعا چند فیلم، سریال، کتاب، کار تجسمی و خلاصه اثر هنری جذاب و قابل استنادی در طول این دو سال از ظهور کرونا در کشور ما تولید و عرضه شده که حکم سندی با مایه‌های دراماتیک و زیبایی‌شناسانه را داشته باشند تا بتوان بعدها به آنها رجوع کرد، نشانه‌های آسیب‌شناسانه خلاق را در آنها یافت و بر مبنایشان تحلیل و استراتژی‌های پیشگیرانه ارائه کرد. بیراه نیست اگر بگوییم تاریخ فردا را آدم‌هایی می‌نویسند که دغدغه نوشتن و خلق اثر دارند. آثاری که قطعا در آتیه‌ای دور یا نزدیک در کنار انبوهی از مستندات و اخبار، می‌توانند ذهنیتی دقیق برای آیندگان از تبعات مخوف و مرگبار ویروس کرونا ترسیم کنند و در گلوگاه‌های پر خطر و بحران‌های احتمالی دیگری در تاریخ، برایشان کارکرد آموخته‌ده و هشدار دهنده داشته باشند. همان‌طور که در تاریخ ادبیات برای درک عواقب بیماری‌های کشنده و شایعی همچون تیفوس به کتابی متکرانه به همین نام از ژان پل سارتر ارجاع داده می‌شود یا درباره شیوع طاعون در قرن نوزدهم از کتاب خواندنی آلبر کامو یا پیشتر از اینها تراژدی «ادیپ شهریار» که سوفکل در آن به بیماری مسری طاعون پرداخته، یاد می‌کنند. ضمن این‌که مجموعه‌های تلویزیونی و تولیدات سینمایی تأمل برانگیز متعددی که بعضاً حتی جنبه‌های پیشگوییانه‌ای نیز دارند، با موضوع پاندمی‌های مرگبار تخیلی یا واقعی در جهان ساخته شده‌اند. در این باره ارجاع‌تان می‌دهم به انیمیشن سیمپسون‌ها، فیلم سینمایی شیوع به کارگردانی استیون سودربرگ محصول ۲۰۱۱، سریال مستند «همه‌گیری جهانی: چگونه از یک شیوع جلوگیری کنیم» محصول نتفلیکس یا نمونه‌های تخیلی‌تری مثل «روز بعد» ساخته دنی بوویل یا «جنگ جهانی زد» از مارک فورستر یا فیلم جدید «قرنطینه» با بازی آن‌ها تاولی درباره درگیری‌های بشر با کرونا و... هنر ما اما تا به امروز، در زمینه رویارویی با این پدیده شوم مواجهه‌ای منفعلانه داشته‌است.

امروز در قرن ۲۱ نه فیلم شاخصی مثل سرب اثر ماندگار مسعود کیمیایی در سال ۱۳۶۷ که در طول روایتش برپایش از شیوع تیفوس در تهران سال‌های ۱۳۳۰ بگوید داریم و نه کتاب مهم، اثرگذار و خاصی در این عرصه. رویکرد سریال‌سازان نیز بر همین مدار بوده‌است و جز چند نمونه که با صرف کمترین زمان ممکن برای ساخت، روایتی از واقعیت کرونا ارائه دادند، مجموعه نمایشی قابل ملاحظه‌ای در این خصوص نمی‌بینیم. با این همه در حالی که هنوز ویروس کرونا با سویه‌های مختلف در جهان جولان می‌دهد و تغییرات شگرفی که در جهان ایجاد کرده، می‌تواند سوزه انواع و اقسام آثار هنری در جهان محسوب شود هنوز هم‌پای فراگیری و تاثیرگذاری این بیماری، در آثار هنری داخلی ردی از کرونا و تاثیرات آن را ندیده‌ایم. اتفاقی که باید دید علل آن چه بوده و در ریشه‌یابی‌اش به جنس دغدغه‌ها و اوضاع رفاهی، فکری و روحی هنرمندان در قبال تعهدشان بر انعکاس و ثبت گستره‌های گریزان‌پذیر چنین رویدادهایی در زندگی اجتماعی مردم و به‌خصوص وظایف سیاست‌گذاران هنری و فرهنگی در بسترسازی‌های لازم در این باره پرداخت تا خلأ آن در آینده حس نشود. گزارش پرنکته امروز جام‌جم را در همین زمینه بخوانید.



فرهادی در میان فیلمنامه‌نویسان برتر قرن

انجمن نویسندگان آمریکا فهرست ۱۰۱فیلمنامه برتر قرن۲۱ را منتشر کرد و اصغر فرهادی برای فیلم «جدایی» یکی از فیلمنامه‌نویسان حاضر در این فهرست است. در این فهرست فیلمنامه برو بیرون، درخشش ابدی یک ذهن پاک، شبکه‌اجتماعی، آنگل، جایی برای پیرمردها نیست، مهتاب، خون به پا خواهد شد، لعنتی‌های بی‌آبرو، تقریباً مشهور و ممنوتو به ترتیب رتبه‌های اول تا دهم فهرست برترین فیلمنامه‌های قرن را به خود اختصاص داده‌است.



بهتر است فعلا این موارد گفته نشود!

«غیبت موجه» جدیدترین اثر سینمایی عباس رافعی، کارگردان فیلم‌هایی چون «بهت» و «فصل فراموشی فریبا» است. کارگردانی که سال گذشته نخستین فیلمسازی بود که سراغ یک فیلم بلند داستانی با موضوع کرونا رفت اما شورای پروانه نمایش مانع از شرکت فیلمش در جشنواره فیلم فجر شد.

او که بعد از گذشت یک‌سال هنوز موفق به دریافت پروانه نمایش برای فیلم غیبت موجه نشده، درباره ضرورت پرداختن به موضوع کرونا در آثار هنری به جام‌جم گفت: چرا فکر می‌کنید هنرمندان در حوزه‌های مختلف کاری با مضمون کرونا انجام نداده‌اند؟ چه بسا فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌هایی در این خصوص نگاشته شده که به اجرا نرسیده‌اند.

این کارگردان افزود: در همان ماه‌های ابتدای شیوع کرونا بودیم که رمانی به دستم رسید با این عنوان: «من هم کرونا گرفتم».

کتاب‌های الکترونیکی آهسته آهسته بین مردم ایران جامی افتد

همه مایک کتابخانه در جیبمان داریم!

آمار کتابخوانی یکی از آن اعداد وارقامی است که از سال‌های پیش، وقتی آن را شنیده‌ایم خجالت‌کشیدیم؛ چند دقیقه‌ای سرمان را از موبایل‌ها درآورديم و گفتیم: «واقعاً ما ایرانی‌ها کم کتاب می‌خوانیم!» و همان‌طور که از روی تاسف سر‌تکان می‌دادیم، چرخیدن در اینستاگرام را از سر گرفتیم. اما حالا که نمی‌توانیم تلفن‌های همراه هوشمند را از خود دور کنیم؛ راه‌نجات از این خجالت‌زدگی این است که کتاب‌ها را توی موبایل‌ها یمان جاسازی کنیم. تکنولوژی اگر تا امروز از حکمت، درهایی به رویمان باز کرده و امکاناتی در اختیارمان گذاشته، درهایی از رحمت را به رویمان بسته است، مثلاً این‌که مجالی برای کتابخوانی باقی نمانده است. از حق نگذریم، اگر بتوانیم نوستالژی ورق‌زدن کتاب را ترک کنیم، همین روزها هم می‌توان یک کتابخوان باقی‌ماند یا حتی کتابخوان شد. باید بپذیریم که زندگی بشر در قرن بیست و یکم با دنیای آن‌لاین و مجازی یک‌گره بازشدنی خرده‌است ولی زیر سایه همین تکنولوژی و گوشی‌های هوشمند که زمان زیادی از روزمان را خرج‌شان می‌کنیم، دسترسی به کتاب آسان‌تر شده‌است. غیر از نسخه‌های کاغذی، روی وبلاگ‌ها، پی‌دی‌اف‌ها، نرم‌افزارها، نسخه‌های الکترونیک و البته پادکست‌ها، می‌توانیم مطالعه کنیم و امروز کتاب نخواندن شاید خجالت‌آورتر از قبل هم باشد. هرچور هم حساب کنیم نسخه‌های غیرکاغذی کتاب انتخاب بهتری نسبت به کتاب‌های کاغذی است. مهم‌ترین نکته این انتخاب هم صرفه‌جویی در مصرف کاغذ است. «طاقچه» به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی کتاب الکترونیکی در ایران، سال ۹۸ آماری ارائه داد و گفت: «تاثیر خواندن کتاب‌های الکترونیکی در سال ۹۸ معادل جلوگیری از قطع ۱۰هزار و ۲۰۰ درخت بوده است.» بهتر است این آمار را هم بدانید که از قطع کردن یک درخت با ابعاد و اندازه متوسط، حدود ۸۰۰۰ برگه کاغذ تولید می‌شود و در خوشبینانه‌ترین حالت به ۸۰۰ کتاب ۱۰۰ صفحه‌ای تبدیل می‌شود؛ این‌طور بگوییم که یک درخت می‌شود ۸۰۰ جلد کتاب «بیشعوری»!



زینب رجایی

جام جم

آمار جدیدی که این پلتفرم به‌تازگی منتشر کرده است، نشان می‌دهد به‌رغم هشدارها برای کاهش سرانه مطالعه، تعداد کتاب‌های خوانده شده در «طاقچه» در سال ۱۳۹۹ تقریباً پنج برابر بیشتر از سال ۱۳۹۸ بوده است، یعنی افزایش ۳۸۰ درصدی که به همان نسبت باعث آسیب کمتری به محیط‌زیست شده‌است.

از مباحث محیط‌زیستی که بگذریم، کتاب آن‌لاین یا الکترونیک، همه‌جا و همه‌وقت در دسترس است و سنگینی کتاب را از دوش مان برمی‌دارد. بانک، ایستگاه اتوبوس، وقت استراحت در محل کار، مترو یا حتی وسط مهمانی، ما یک کتابخانه در جیب‌مان داریم که می‌توانیم جلوبیش بایستیم و انگشت اشاره را روی اسامی کتاب‌ها بچرخانیم؛ بعد یکی را انتخاب کنیم، بیرون بکشیم و بخوانیم؛ حتی به اندازه پنج دقیقه! یا احیای زمان‌های فرده در طول روز می‌توانیم وقت‌کشی گوشی‌های هوشمند در زندگی‌مان را جبران کنیم. به قول معروف: «این به اون در...»

کتاب‌های الکترونیک علاوه بر این‌که همیشه در دسترسند، ارزان‌تر هم هستند؛ آن‌هم در شرایطی که کاغذ روز به روز گران‌تر می‌شود و ناشران

ناچارند افزایش قیمت‌ها را با خریداران تقسیم کنند یا حتی بار آن کاملاً روی دوش مردم بیفتد. این را هم درنظر داشته باشید که شما یک پیک کتابخوان قدیمی و قهار باشید و چه غموی باشد از این خانواده، ممکن است مطالعه کتابی را شروع کنید و با قلم، روایت یا موضوعش آن‌طور که باید و شاید ارتباط نگیرید. حتماً یک کتاب الکترونیک که تهیه آن زحمت کمتری داشته، ارزان‌تر و در برخی موارد حتی رایگان است، انتخاب بهتر و منطقی‌تری است. انتخاب کتاب هم کار آسانی نیست و اصولاً این‌که «چه بخوانیم» خودش مساله‌ای است. غیر از نام‌ها و نویسنده‌های معروفی که دیر با زود علاقه‌مندان را به خود جذب می‌کنند؛ در سایر موارد انتخاب کتاب مثل این است هر بار به بستروان می‌روی، غذایی سفارش بدهید که هیچ ایده‌ای درباره طعم و ذائقه آن ندارید اما اپلیکیشن‌ها و نرم‌افزارهای کتاب الکترونیک، در قسمت نظرات کاربران یا با آماری که از فروش خود در اختیار مخاطبان می‌گذارند این فرصت را به شما می‌دهند که به قول ضرب‌المثل انگلیسی‌زبان‌ها، «کتاب را از روی جلدش قضاوت نکنید» و از بین گزینه‌ها تیان بهترین‌ریشن را بردارید.

روح ... حسینی در این رمان یک قهرمان بوکس و نوشتن کنار گذاشته به تصویر کشیده بود که و به‌یروس کرونا، زندگی گذشته و آینده‌اش را از مواجهه اولیه مردم با همه‌گیری این ویروس و ابر و شده و من زمانی‌که آن را خواندم به بنیاد سید سند قابل توجهی باشد از وضعیت روز جامعه. اقتباس آثار ادبی استقبال می‌کرد، رمان را نخواند کار ما نیست، بنابراین به تهیه‌کنندگی خودم ف آموزش‌های مجازی در مدارس و تبعاتی که این نو رافعی ادامه داد؛ غیبت موجه نگاهی اجتماعی – اد

نمایش برای آن پروانه نمایش صادر نکرد. با ا



استفاده راحت‌تری دارد و امکانات بی

می‌دهد.»

او درباره حوزه تخصصی توضیح می‌د و روش‌هایی وجود دارد. اینجا کتاب براساس راوی کتاب با شخصیت کتا از میان هنرپیشه‌ها، صداپیشه‌های براساس آنچه نادری عنوان می‌کند یک کتاب صوتی باشیم. او می‌گوید که علاقه‌مندان نمونه‌صدای خو کارشناسی مشخصات صدا، آن را در می‌کنیم، وقتی محتوایی در دست ارسالی همخوانی داشته باشد از این مساعد باشد بعد از یک جلسه آمو نو صدا شروع می‌شود. البته برای ناشر آن مشورت صورت می‌گیرد.